این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

در فکر خودت باش مرگت نزدیک است!

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):

مجلسی اول (پدر مرحوم مجلسی معروف) که او هم مرد بسیار جلیل‌القدر و عالم و متقی و فوق‌العاده‌ای بوده و از شاگردان شیخ بهایی است. نقل می‌کند که شش ماه قبل از وفات شیخ بهایی، روزی ما در خدمت ایشان به زیارت اهل قبور در تخت فولاد اصفهان- که قبر بابا رکن‌الدین در آنجا بوده، رفتیم. یک وقت دیدم ایشان رو کرد به ما و گفت: شما چیزی نشنیدید؟ گفتیم: نه.

دیگر سکوت کرد و حرفی نزد، راه افتاد و آمد. از آن روز ما دیدیم حال شیخ تغییر کرده، بیشتر به خود پرداخته، حال توبه و انابه پیدا کرده و یک حال دیگری غیر از حال سابق دارد. همه ما شاگردها حدس زدیم هرچه بود، آن روز اتفاق افتاد. ایشان می‌گوید من از سایر شاگردها جسورتر بودم. قرار شد من از ایشان بپرسم که منشأ این تغییر حالت شما چیست؟ رفتم از ایشان پرسیدم، ایشان گفت: من آن روز وقتی از کنار قبر عبور می‌کردیم این صدا را از قبر شنیدم که «شیخ در فکر خود باش، مرگت نزدیک است، چرا به خودت نمی‌پردازی؟» شیخ بهایی شش ماه بعد وفات کرد.

منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در ایتا به استناد کتاب «آشنایی با قرآن، ج ۴، ص ۱۷۷»

تصویری از جوانی شهید امیرعبداللهیان

الله‌کرم مشتاقی با انتشار تصویر فوق نوشت: تصویر اختصاصی از جوانی شهید امیرعبداللهیان قبل از ورود ایشان به وزارت خارجه. جلسه هفتگی در مسجدجامع شادآباد تهران، سال ۱۳۷۲. پس از وزیر شهید، حجت‌الاسلام عباس عزیزی و پس از او حجت‌الاسلام علیرضا رجالی مسئول کنونی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شاهد دیده می‌شوند.

۹ کاری که برای موفقیت نباید انجام داد

کانال تلگرامی «کتابخانه» نوشت: اگر می‌خواهید موفق باشید این ۹ کار را نباید انجام دهید: ۱) انتظار نداشته باشید همه‌چیز عالی باشد؛ ۲)هر وقت لازم است نه بگویید؛ ۳) به خودتان چیزهای منفی نگویید؛ ۴)فقط روی امروز تمرکز نکنید؛ ۵) اهدافتان را فراموش نکنید؛ ۶) منزوی نشوید؛ ۷) خودتان را با هیچ‌کس مقایسه نکنید؛ ۸) در گذشته زندگی نکنید و ۹) آدم‌های دروغگو را تحمل نکنید.

تصویر منتخب

در سوگ شهید رئیسی
|برگرفته از شبکه‌های اجتماعی

روایت‌های یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی اهل تبریز از شهید سیدمحمدعلی آل‌هاشم

ما با امام جمعه شهرمان خاطره داریم

لیلا حسین‌نیا از فعالان فرهنگی اهل تبریز در روزهای گذشته روایت‌هایی از شهید سیدمحمدعلی آل‌هاشم، امام جمعه فقید شهید تبریز به اشتراک گذاشته است. این توییت‌ها با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بوده که در ادامه به مرور آنها پرداخته‌ایم:

-می‌دونید ما با امام جمعه شهرمون خاطره داریم، یعنی چی؟ امام جمعه شهر ما اسم همه شاعرهای جوان رو بلده، بارها با هم سینما رفتیم، توی بازار راه میفته و حال مردم رو می‌پرسه، تئاتر تکه‌های سنگین سرب رو با هم دیدیم، نمایشگاه نقاشی و خط رو رد نمیده، باید برگرده...

-سلفی گرفتن با نماینده ولی‌فقیه در تبریز امری عادی بود. شما می‌تونستی در مسجد، بازار، مترو، اتوبوس و... با او صحبت کنی و هر موقع خواستی سلفی بگیری، نباید جای خاصی دنبالش می‌گشتی. بار اول که تاکسی گرفت برخی فکر کردند اداست. بعد فهمیدند او می‌داند نماینده ولی باید در قلب مردم باشد.

- یک عکاس تبریزی که هیچ ربطی به حکومت نداشت در یک جشنواره ملی رتبه آورده بود. امام جمعه به عکاس زنگ زده بود و به خاطر کسب رتبه و افتخاری برای تبریز از او تشکر کرده بود. عکاس از شادی ماجرا را رسانه‌ای کرده بود. امام جمعه می‌خندید و می‌گفت: مگر اتفاق عجیبی افتاده؟ می‌خندید همیشه...

- خدابیامرز شوهر عمه‌ام از پیران انقلاب در تبریز بود و مدتی گرفتار بیماری. فرصت عیادت نداشتم. یک روز که بالاخره برای عیادت رفتم، متوجه شدم امام جمعه تبریز چندباری برای عیادت به بیمار ما سرزده. همیشه چند قدم جلوتر بود...

-از محل کار سابقم استعفا کرده بودم. شغلی نداشتم. به یکی از دوستان گفته بود فلانی مضیقه مالی ندارد که؟ از خودم هم نپرسیده بود تا اگر دستم خالی بود شرمنده نشوم!

-از شعرخوانی بیت رهبری برگشته بودم. دیدید آدم یک موفقیتی دارد بی‌تاب می‌شود که برای پدرش تعریف کند؟ می‌خواستم زودتر به او برسم و بگویم «خدمت شما آقا!» او زودتر دست به کار شد و در خطبه‌های نماز جمعه شعرم را خواند. رفتم تشکر کنم. زبان باز نکرده گفت دیدی شعرت را خواندم؟! و خندید.

- یکی از شاعران تبریز را جلوی مصلا دیده بود. حالش را پرسیده بود و از شغلش جویا شده بود. رفیق شاعر ما گفته بود شغل ثابت و مناسبی ندارد. امام جمعه گفته بود: «یک شغل برای تو پیدا می‌کنم یه شغل برای خودم تا این ساعت روز بیکار نچرخیم!» چند روز بعد شاعر جوان در یک نهاد فرهنگی مشغول شد.

- ماشین حمل اجساد که رد شد، خانمی که کنارم بود با گریه گفت: «ولی حاج آ سن هش وقت بوجور عجله‌نن جماعت‌دن گشمزدین!» یعنی: «ولی حاج آقا تو هیچ وقت اینقدر با عجله از کنار مردم رد نمیشدی!» ما رو بد عادت کردی آقای شهید آل‌هاشم!

- برای کاری اداری قرار بود به دیدارش بروم. آقا سید حمید گفت: «حاجی گفته هفت صبح دفتر باشید.» گفتم: «آقاسید! هفت صبح آخه امام جمعه چرا توی دفتره!؟» گفت: «شما جلسه سوم رو دارید باهاشون!» پیرمرد آخه هفت صبح، جلسه سوم!؟

- حاج احمد ذاکری می‌گوید: شخصی دم‌بیت به من گفت: من یک راننده تاکسی هستم و خیلی مدیون حاج آقای آل هاشمم. فقط خودایشان می‌دانستند. آمدم هر کاری از دستم برمی‌آید، انجام بدهم. به مسئول دفتر گفتم. گفت از دیروز دهها نفر آمده‌اند که ما به حاج آقا مدیونیم هر کاری هست انجام دهیم!

- نقش بسیار مهمی در آشتی جامعه مذهبی تبریز با سینما داشت! اغلب بخشی از خطبه‌های نماز جمعه را به معرفی فیلم‌های خوب در حال اکران، تئاترهای روی صحنه و برنامه‌های فرهنگی اختصاص می‌داد. امام جمعه هر فیلمی را که معرفی می‌کرد خودش هم به تماشایش می‌رفت. این عکس گمانم سینما قدس تبریز است.

- حیفم می‌آید از پسر بگویم و از پدر نه! حاج محمدتقی پدر امام جمعه ما همه می‌دانند که در پیش‌نمازی مسجدی در بازار تبریز، نماز ظهر و عصر را طول نمی‌دهد تا کسبه از کار بازنمانند. خانه‌اش در فقیرترین محله تبریز، دلخوشی اعیاد غدیر مردم است. مردم صف می‌کشند تبریک می‌گویند و عیدی می‌گیرند.

- ساختار کهن هیئات مذهبی در تبریز تأثیر مهمی در حیات اجتماعی و سیاسی مردم دارد. قبل از او دسته‌بندی‌های سیاسی و فکری، سایه سنگینی بر جامعه هیئات داشت. حاجی که آمد این فرقه‌بندی را شکست. آنقدر به هیئت‌ها سر کشید و میان‌داری کرد که همه هیئات با هر تفکر سیاسی زیر سایه‌اش جمع شدند.

- به خاطر ندارم در شش سال گذشته کسی از اهالی هیئت‌های تبریز فوت کرده باشد و امام جمعه نماز میت را نخوانده باشد. کسی که اندک آشنایی با فضای هیئت در تبریز دارد و می‌داند که این فضا چه تأثیری بر جهان زیسته مردم دارد، اعتراف خواهد کرد که امام جمعه در مورد هیئات تبریز معجزه کرد!

- هرگز بادیگاردی کنارش ندیدم. یکبار مسئولان حفاظت بیت گوشی شاعران را دم در گرفتند. یکی از دوستان یک رباعی نوشت و برایش خواند: «تا جام جرعه‌نوشی ما را گرفته‌اند | ابزار طبع جوشی ما را گرفته‌اند | می‌خواستم که شعر بخوانم برایتان | بدو ورود، گوشی ما را گرفته‌اند» دفعه بعد کسی کارمان نداشت! (شعر را دکتر محمدرضا بحری نوشت.)

انواع جلسات؛ ویژگی‌های یک جلسه خوب چیست؟

کانال تلگرامی «تغییر و تحول سازمانی» نوشت: از بس رؤسا به بهانه جلسه کارها را به تعویق انداخته‌اند، خودشان را از دست ارباب‌رجوع پنهان کرده‌اند، برای انجام کار شخصی، محیط کار را ترک کرده‌اند و در نشست با دوستان ما را سرکار گذاشته‌اند که هر وقت اسم جلسه را می‌شنویم، حالمان به هم می‌خورد و یه جورایی جلسه داشتن را طعنه می‌پنداریم و بعضی هم می‌گویند اسم جلسه را که می‌شنویم، کهیر می‌زنیم. جلسات گاهی اوقات برای شرکت‌کننده هم حوصله سر بر و خسته‌کننده است.

انواع جلسات

صرف‌نظر از جلسات بیهوده و وقت تلف کن، پنج نوع مهم جلسه برگزار می‌شود:

۱ جلسه حل مسئله

جلسه‌ای است که برای حل مسئله، برطرف کردن فوری یک معضل، یا مشکل آنی به صورت اضطراری برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان از مدیران و عوامل اجرایی هستند و تصمیم موقت و اورژانسی که سریعاً بتوان مسئله را حل کرد و راه‌حل توجه زیادی به گذشته و آینده ندارد.

۲ جلسه برنامه‌ریزی

اینگونه جلسات، با حضور مدیران ارشد و با نگاه به آینده برای تعیین جهت‌گیری‌ها و تعیین نتایج مورد انتظار یک دوره عملکردی برگزار می‌شود. وظایف آینده، تخصیص منابع و حتی استراتژی‌ها و فرآیندها تحت تأثیر این نوع جلسات است.

۳ جلسات بازخوردی

این جلسات برای بررسی عملکرد و میزان دستیابی به نتایج برگزار می‌شود. اهداف گذشته بازخوانی می‌شود و با بررسی فرآیندها، روش‌های کار و نتایج، آسیب‌شناسی صورت می‌گیرد و شکاف عملکردی کشف می‌شود. بازخوردها، میزان رضایت مردم و تأثیرات کار بر جامعه هدف و جامعه برنامه‌ریزی نشده تحلیل می‌شوند.

۴ جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی

در اینگونه جلسات، محور اصلی بر اطلاع‌رسانی و توجیه است. مدیران ارشد، مدیران اجرایی و عوامل برنامه را توجیه می‌کنند. پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره چرایی و چگونگی اجرای تصمیمات است. فرهنگسازی، جلب مشارکت دیگران، تغییر نگرش‌ها و ایجاد نظر موافق و کاهش مقاومت در برابر تغییر از اهداف اینگونه جلسات هستند.

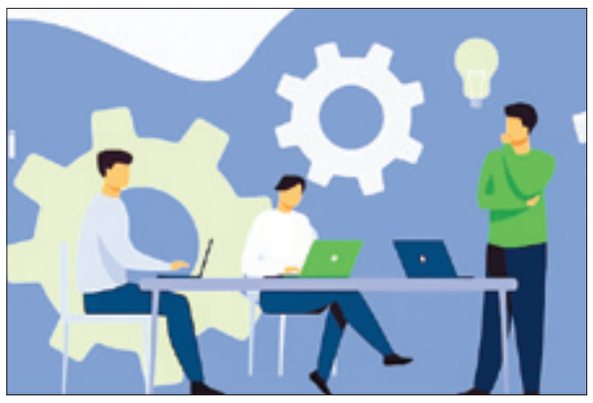

۵ جلسات آموزش حساسیت

بار عاطفی اینگونه جلسات بیشتر است. جلسات تشریفاتی، تقدیر و تشکرها، عذرخواهی و رفع کدورت‌ها و دلخوری‌های بین افراد از اهداف این جلسات است. حالت این جلسات تا حدی غیررسمی است و نرم موضوعات از جمله خبرهای خوب سازمان، پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها بحث می‌شود.

ویژگی‌های یک جلسه خوب

البته برگزاری مؤثر جلسات، مهارتی است که باید آموزش داده شود. جلسه برنامه داشته باشد. هدف جلسه روشن باشد. افراد در جریان هدف و شاخص‌های عملکردی و خروجی مورد انتظار آن باشند. در این میان طول جلسه نیز مهم است تا آنجا که مدیرعامل جنرال موتورز می‌گفت: «من هیچ جلسه‌ای نداشته‌ام که بیش از ۳۰ دقیقه به طول بینجامد.»

هوشیاری و نجابت یک ملت

حسن سبحانی توییت کرد: بزرگداشت خدمات متولیان امور و برگزیدگان مردم از نشانه‌های هوشیاری و نجابت یک ملت محسوب می‌شود. این مهم به مدیران امروز و فردای کشور نشان می‌دهد که مخدوم بی‌عنایت نیستند و نخواهند بود. متبلور کردن این احساس و تعمیق این ادراک، نشانه بزرگی و متضمن ماندگاری فرهنگی و تمدنی جامعه است.

قرعه کار به نام فرزند دیوانه زدند؟

روح‌الله صدیق در توییتی نوشت: چند نسل دیگر طول خواهد کشید تا پدر و مادرها بفهمند که وظیفه پرکردن حس تنهایی آنها وظیفه و مسئولیت خودشان است نه فرزندان‌شان و انداختن این مسئولیت گردن فرزندان، جزو اخلاقی‌ترین سوءاستفاده‌هایی است که می‌بینیم.
آسمان بار امانت نتوانست کشید | قرعه کار به نام فرزند دیوانه زدند

توصیه معنوی رهبر انقلاب به خانواده شهید رئیسی برای آرامش

کانال «خط رهبری» در ایتا نوشت: رهبر معظم انقلاب طی حضور اخیرشان در منزل رئیس‌جمهور شهید برای تسلیت‌گویی، توصیه معنوی‌ای نیز به خانواده شهید برای آرامش قلبی داشته‌اند. در ادامه روایت این موضوع را می‌خوانید:

رهبر انقلاب به یکی از دعاهای موجود در مفاتیح‌الجنان اشاره می‌کنند. توضیح می‌دهند که دعایی است مربوط به نمازهایی که در نجف خوانده می‌شود و مستحب است بعد از هر نماز خوانده شود. فی‌المجلس هم با حافظه قوی‌ای که دارند گریزی به فقراتی از آن می‌زنند:

اللّهُمَّ لاَبُدَّ مِنْ أَمْرِک، وَلاَبُدَّ مِنْ قَدَرِک وَلاَبُدَّ مِنْ قَضَائِک وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلا بِک؛ خدایا از دستورت و تقدیرت و قضایت چاره‌ای نیست و هیچ نیرو و توان جز به خدای بلندمرتبه بزرگ نیست.

اللّهُمَّ فَمَا قَضَیتَ عَلَینَا مِنْ قَضَاءٍ أَوْ قَدَّرْتَ عَلَینَا مِنْ قَدَرٍ فَأَعْطِنَا مَعَهُ صَبْراً یقْهَرُهُ وَیدْمَغُهُ وَاجْعَلْهُ لَنا صَاعِداً فِی رِضْوانِک؛ پس آنچه بر ما از قضایی که حتّم کردی یا از تقدیری که مقدر نمودی، همراه آن به ما صبری عطا کن که بر آن چیره شود و آن را درهم کوبد و آن شکیبایی را برای ما نردبانی به سوی خشنودی و لطفت قرار ده.

آقا می‌گویند این دعا که فقط مخصوص نجف نیست؛ در مفاتیح پیدایش کنید و بخوانید. مشخصاً هم اشاره دارند که بعد از نماز شب هم می‌شود آن را خواند.

۱۰ ویژگی رئیس‌جمهور آینده

حامد ملحانی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: پیکر شهید رئیسی در خاک آرام گرفت! بغض نبودنش، اما هنوز راه نفس را گرفته است! با این حال آنچه مشخص است، این است که رئیس‌جمهور بعدی باید واجد نقاط قوت ایشان و حتی‌المقدور بدون نقاط ضعف رئیس‌جمهور شهید باشد. ۸ تیر ۱۴۰۳ به کسی رأی خواهم داد که همانند شهید جمهور:

۱) پیرو محض و یاور مطیع ولی‌فقیه باشد.
۲) پشت میزنشین نباشد. روحیه جهادی و خستگی‌ناپذیر داشته باشد!
۳) مردمی باشد. متفرعن و متکبر و خودنخبه پندار نباشد.
۴) غربگرا نباشد. عشق امریکا نباشد! خداباور باشد نه کدخداباور!
۵) ساده زیست باشد! نه خودش و نه بستگانش، اشرافی نباشند. تجملاتی زندگی نکنند!
۶) ریاست طلب نباشد! با رأی حرام، رئیس‌جمهور نشود! تهمت نزند! اخلاق را زیر پا نگذارد!
۷) نه خودش و نه بستگانش اهل حاشیه نباشند!
۸) بین میدان و دیپلماسی، تقابلی ایجاد نکند! این دو را مکمل هم ببیند!
و علاوه بر نقاط قوت فوق این موارد را نیز داشته باشد:
۹) برنامه مشخص اقتصادی داشته باشد!
۱۰) در حلقه اول اطرافیانش (کابینه احتمالی‌اش) از افراد انقلابی متخصص و قابل‌اعتماد استفاده کند.
مصداق این ۱۰ ویژگی بماند برای روزهای بعد! روزهای حساس و سرنوشت‌ساز آینده!

مجسمه بی‌نظیر «انسانیت در برابر شیطان»

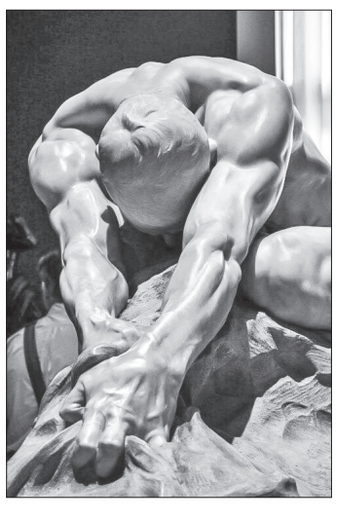

کانال تلگرامی «خلاقیت، بدون مرز» منتشر کرد: این اثر «انسانیت در برابر شیطان» نام دارد و مجسمه‌ساز ایتالیایی «Gaetano Cellin» آن را در سال ۱۹۰۶ ساخته است. این هنرمند به خاطر توانایی‌اش در القای احساسات شدید و مفاهیم عمیق فلسفی در آثارش شهرت دارد. این مجسمه که نمایشی چشمگیر از وضعیت انسان در نبرد همیشگی‌اش با شیطان است، دارای ترکیب و ساختاری پویا و پرهیجان است و با شناخت و تسلط استادانه هنرمند بر فرم، تنش و حرکت ذاتی در چنین مبارزه‌ای را به زیبایی به تصویر کشیده است. فیگور انسانی که نماد بشریت است با دقتی حیرت‌انگیز و با پرداخت استادانه جزئیات ساخته شده و تسلط مجسمه‌ساز را در فرم و آناتومی نشان می‌دهد. ماهیچه‌های منقبض شده و حالت بدن، نشان‌دهنده تمرکز و عزم شدید برای حضور در یک نبرد سنگین است؛ مبارزه همیشگی بین خیر و شر. برای پی‌بردن به مهارت «Gaetano Cellin» کافی است به رگ‌ها و عضلات دست نگاه کنید و به این فکر کنید که این مجسمه‌ساز چگونه آنها را در دل سنگ مرمر ایجاد کرده؟ حیرت‌انگیز است!

قدرت خون

کمیل خجسته در کانال تلگرامی خود نوشت: عکس منزل مادر رئیس‌جمهور شهید را دیدید؟ احتمالاً به‌واسطه ملاقات‌هایی که در منزل شهید رئیسی صورت می‌گیرد، تصویر منزل کوچک و ساده آنها را هم دیده‌اید. دیدید که بالگرد رئیس‌جمهور در سفر از نقطه صفر مرزی و محروم دچار سانحه شد؟! صحبت‌های رئیس‌جمهور را قبل از سوارشدن به بالگرد خطاب به مردم محروم آنجا دیدید؟! آنجا داشت درباره پایان دادن به یک پروژه ناتمام عمرانی برای مردم صحبت می‌کرد. این دولت، دولت پایان دادن به پروژه‌های نیمه‌تمام بود. آب الغدیر خوزستان ۱۷ ساله، جاده شیراز ۱۲ ساله، راه‌آهن ۱۸ ساله کردستان و... و حالا با خون خودش تلاش می‌کند همه حباب‌های سیاه رسانه‌ای، همه دستکاری‌های ذهنی را برهم بزند.

کمی عقب‌تر برویم؟ تصویر خانه مادر حاج قاسم را یادتان است؟! تصویر خانه خود حاجی را چه؟! یادتان است حاجی در یک روزی که تعطیل بود و در نیمه شبی که همه ما خواب بودیم؛ در حال انجام مأموریت برای مردم ایران از سوی امریکایی‌ها ماشینش مورد حمله واقع شد؟!

خب این وعده خداست. او به انسان وعده داده است که کف باطل را از روی آب جاری زندگی کنار می‌زند تا حق آشکار شود که اینها مَا یَنْفَعُ النَّاسَ و به نفع مردم هستند. خون شهید، باطل را کنار می‌زند. جمهوری اسلامی جایی است که مسئولان هزار و چهارصدش افتخار می‌کنند که شبیه مسئولان هزار و سیصد و شصتش باشند. افتخار می‌کنند رجایی باشند تا بهشتی شوند.

دقت کنید جایگاه این مسئولان در کنار مدیرانشان مانند نسبت قله به دامنه است که الناس علی دین ملوکهم. قله‌هایی که چنین تصاویری از زندگیشان بیرون می‌آید ناگزیر بخش زیادی از دامنه‌شان و مسئولانشان هم شبیه به او هستند. یکی رئیس‌جمهور، یکی رئیس یکی از مهم‌ترین ارکان نظامی کشور و... . مسئول انقلابی جمهوری اسلامی ساده‌زیست است. به فکر مردم است. به دنبال حل مسائل زندگی مردم است و در نهایت برای مردم جانش را فدا می‌کند. با این فرمول است که ایران هر روز برخلاف تصویرسازی رسانه برخلاف آن مگسی که بر زخم می‌نشیند؛ در میدان واقعیت به جلو پیش می‌رود.

مه‌سیاه رسانه که کنار می‌افتد، می‌شود این رشته کوه محکم را دید. بدون انحراف از روز اول خلقتش، با قله‌هایی پر از افتخار، دامنه‌هایی پر از شقایق که دائماً نسیم در دل آن می‌خواند: ای شقایق‌های آتش گرفته، دل خونین ما شقایقی است که داغ شهادت شما را بر خود دارد. آیا آن روز نیز خواهد رسید که بلبلی دیگر در وصف ما سرود شهادت بسراید؟